

بسمه تعالی  
انسان و در انسانیت  
۴۱۵۱۰۰  
در روم



۱۳۸۰ ۸ / ۱۰

از اطلاعات داران آزادگان  
از اطلاعات داران علم ایران  
از اطلاعات داران علم ایران

دانشگاه شهید بهشتی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

عنوان پایان نامه :

# سرداران عصر هخامنشی

استاد راهنما :

014008

دکتر جمشید آزادگان

استاد مشاور :

دکتر اردشیر خدادادیان

نگارش :

داود قاسمپور

« تابستان ۱۳۸۰ »

۳۷۱۸۵

**تقديم به؛**

**پدرم و مادرم؛**

**سایبانان سرم؛**

**بی ریاترین یاورانم؛**

**بی ادعاترین مشوقانم.**

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
- مقدمه .....	۱
- نظری بر منابع و مآخذ .....	۳
منابع اصلی .....	۳
منابع و تحقیقات جدید .....	۶
<b>بخش اول: ارتش در دوره هخامنشی</b>	
فصل اول: جایگاه ارتش در طبقه‌بندی عصر هخامنشی .....	۱۰
فصل دوم: نگاهی بر وضعیت ارتش در عصر هخامنشی .....	۱۴
فصل سوم: تشکیلات ارتش .....	۱۸
<b>الف: نیروی زمینی</b>	
۱- گارد جاویدان .....	۱۸
۲- شترسواران .....	۱۸
۳- ارابه رانان .....	۱۸
۴- کمانداران .....	۱۹
۵- مزدوران .....	۱۹
<b>ب: نیروی دریایی</b>	
فصل چهارم: ارتباط شاه با سرداران در عصر هخامنشی .....	۲۱
<b>بخش دوم: زندگی و عملکرد سرداران در عصر هخامنشی</b>	
فصل اول: سرداران هخامنشی از کوروش تا داریوش (۵۲۱ ق.م - ۵۵۰ ق.م) .....	۲۴
هارپاگ .....	۲۴
مازارس (Mazares) .....	۲۶
گبرياس (Gobryas) .....	۲۷
اروئیت (Droites) .....	۲۸
میتروباتس (Mithrobates) .....	۲۹
اریاندس (Aryandes) .....	۲۹
فصل دوم: شش یاریگر داریوش در از بین بردن گئومات مغ (۵۲۱ ق.م) .....	۳۲
اتانس (Otanés) .....	۳۲

صفحه	عنوان
۳۳.....	ایتافرنس (Intaphernes)
۳۵.....	گبریاس (Gobryas)
۳۶.....	مگابیزوس (Megabezus)
۳۷.....	هیدارنس (Hydarnes)
۳۸.....	اردومنش (Ardomanehs)
۳۹.....	فصل سوم: سرداران عصر هخامنشی از داریوش تا نبرد میکال (۴۷۹ ق.م - ۵۲۱ ق.م)
۳۹.....	ویوانه (Vivane)
۳۹.....	دادرشی پارسی (Dadarshi)
۳۹.....	دادرشی ارمنی (Dadarshi)
۴۰.....	وئومیسا (Vahumissa)
۴۰.....	تخمسپاده (Toxmespada)
۴۱.....	ارته وردیه (Artazardya)
۴۱.....	همیمه (Hymee)
۴۲.....	دوریس (Dourises)
۴۲.....	ارتافرن (اول) (Artaphernes)
۴۴.....	ارتافرن (دوم) (Artaphernes)
۴۴.....	داتیس (Datis)
۴۵.....	ژوپيروس (Zopyrus)
۴۶.....	مردونیه (Mardonius)
۵۰.....	تیگران (Tegranus)
۵۰.....	ارتاخه (Artachee)
۵۱.....	بویارس (Bubares)
۵۱.....	ماسیت (Masistius)
۵۲.....	ارتبز (Artabazus)
۵۳.....	بوکس (Bokes)
۵۳.....	آرتمیزا (Artemise)
۵۴.....	اریابیگسن (Ariabigsan)
۵۵.....	هخامنش

## فصل چهارم: سرداران عصر هخامنشی از میکال تا پایان حکومت هخامنشیان

۵۷.....	(۴۷۹ ق.م - ۳۳۰ ق.م)
۵۷.....	مگابیزوس (Megabyzus)
۶۰.....	ارتابانوس (Artabanus)
۶۱.....	ارشامه (Arshama)
۶۲.....	هیدارنس (Hydarnes)
۶۳.....	ژوپيروس (Zopyrus)
۶۴.....	ارثی فیوس (Artyphius)
۶۴.....	تری تخمس (Tretoxmes)
۶۵.....	پیسوتنس (Pissuthenes)
۶۵.....	تیسافرئس (Tissaphernes)
۷۰.....	فارنابازوس (Pharnabazus)
۷۲.....	ابروکوماس (Abrocomas)
۷۳.....	آریه (Ariaeus)
۷۴.....	ارونتس (Orontas)
۷۴.....	آریوبرزن (Ariobarzanes)
۷۶.....	ارونت (اوراندا) (Oronte)
۷۷.....	داتامس (Datames)
۷۸.....	تیری باز (Tiribaze)
۸۰.....	گلوس (Gelose)
۸۱.....	ارتابازوس (Artabazos)
۸۳.....	باگواس (Bagovas)
۸۵.....	متور (Mentor)
۸۷.....	ممنون (Memnon)
۸۹.....	آرسیت (Arsite)
۹۰.....	سپتیری دات (Spithridate)
۹۱.....	ارسامس (Arsames)
۹۱.....	آریارات (Ariarat)
۹۲.....	بتیس (Betis)

صفحه	عنوان
۹۳.....	مازکس (Mazals)
۹۴.....	مازه (Mazdios)
۹۵.....	ابولی‌تس (Abuletes)
۹۷.....	ماداتس (Madates)
۹۷.....	آریوبرزن (Ariobarzanes)
۹۸.....	آتروپات (Athropat)
۹۹.....	بسوس (Bessus)
۱۰۲.....	نبرزن (Nabarzane)
۱۰۲.....	ساتی‌برزانس (Satibarzanes)
۱۰۴.....	- نتیجه‌گیری
۱۰۶.....	- فهرست منابع و مأخذ

## مقدمه

ناحیه غرب آسیا، در سال ۵۵۰ ق.م شاهد حادثه‌ای شگرف در تاریخ خود بود. در این سال کوروش کبیر، توانست با تسلط بر همدان، معادلات سیاسی-نظامی منطقه را برهم بزند و بعد با افزودن لیدی و بعد بابل بر قلمرو خود، امپراتوری عظیمی را بنیان نهاد که در نوع خود بی‌نظیر بود. این امپراتوری در زمان کمبوجیه با فتح مصر مبدل به امپراتوری جهانی گردید و با تصرف نواحی غربی تنگه‌های بسفر و رود اردانل در زمان داریوش - تسالیه و مقدونیه - به اوج عظمت و قدرت خود رسید که تا به آن روز چنان امپراتوری با آن عظمت ایجاد نشده بود. برآستی دلیل این موفقیت‌های هخامنشیان - نامی که بر امپراتوری بنیان نهاده شده توسط کوروش گذارده شد - چیست و چگونه این سلسله توانست بر سرزمینی به این گستردگی سیطره یابد و حتی سلطه خود را تا کارتاز - تونس امروزی در غرب و تا سند در شرق گسترش دهد؟ آیا این مهم تنها در سایه نبوغ نظامی پادشاهان با درایت و با کفایتی چون کوروش و داریوش بود و یا عواملی دیگری در این گسترش امپراتوری دخیل بودند؟

بدون شک اگر نظری بر تاریخ هخامنشیان بیندازیم، به این واقعیت اعتراف خواهیم کرد که فرماندهان نظامی و سردارانی بودند که در کنار شاهان و به صورت بازوان اجرایی شاهان، نقش بسزا در گسترش و استواری و ثبات امپراتوری ایفا کردند و این سرداران بودند که در کنار شاهان و در سایه شجاعت و دلاوری‌هایشان، سرزمینهای فوق را در زیر لوای شاه بزرگ متحد کردند.

چیزی که در این میان عجیب بنظر می‌رسد، سهم سرداران در اضمحلال و فناء امپراتوری بود. به همان اندازه که این سرداران در ثبات امپراتوری نقش داشتند، در زوال آن هم سهم بودند به عبارت دیگر، سرداران در این دوره، نقش شمشیر دو لبه‌ای را بازی کردند که طی آن، در اثر وفاداریهای افرادی چون او تا نه وفار نابازوس که حاضر به برداشتن قدمی بدون اذن شاه نبودند، دولت هخامنشی گسترش و نیز ثبات می‌یافت ولی در کنار افسراد فوق، سردارانی چون آیتافرنس و داتامس بودند که در مقابل پادشاهان ایستاده‌اند و طغیان ورزیدند و حتی به طمع تصاحب تاج و تخت افتادند. دلیل این تضاد رفتاری و گوناگونی عملکرد سرداران در این دوره چه بود؟ بعبارتی دیگر چرا سرداران عهد هخامنشی، تا این درجه، باهم اختلاف رفتاری داشتند و چه عواملی و دلایلی باعث طغیان سرداران در تقابل با شاهان می‌گردید؟

در این پژوهش که در دو بخش تنظیم گردیده، سعی شده است تا به پرسشهای فوق جواب داده شود. بخش اول این پژوهش، به اوضاع ارتش در دوره هخامنشی اختصاص یافته است که به موضوع جایگاه ارتش در جامعه هخامنشی و تاریخچه تشکیل ارتش و بعد تقسیمات



ارتش و ارتباط شاهان با سرداران پرداخته شده است. بخش دوم که بخش اصلی این پژوهش می‌باشد، به نقش و عملکرد سرداران عهده هخامنشی اختصاص یافته است که خود این بخش به چهار فصل تقسیم گردیده است. در فصل اول به معرفی عملکرد ۷ سردار می‌پردازیم و فصل دوم هم به عملکرد و زندگی ۶ یار دیگر دیگر داریوش در سرکوب کثومات پرداخته شده و فصل سوم هم به زندگینامه حدود ۲۲ سردار می‌پردازیم و بخش چهارم به بررسی زندگی و عملکرد ۳۶ سردار پرداخته خواهد شد. در پایان، بر خود لازم می‌دانم تا از اساتید محترم خاصه استاد راهنمایم جناب آقای دکتر جمشید آزادگان و استاد مشاورم جناب آقای دکتر اردشیر خدادادیان تقدیر و تشکر بکنم و نیز از دیگر اساتید گروه تاریخ دانشگاه شهیدبهبشتی که افتخار تلمذی در محضر آنان نصیب بنده گردیده است کمال تشکر و قدردانی را دارم.

## - نظری بر منابع و مآخذ :

### ۱- منابع اصلی

۱- کتیبه‌های شاهان هخامنشی: از مهمترین منابع مربوط به دوره هخامنشی، بلاشک

می‌توان کتیبه‌های شاهان هخامنشی را ذکر کرد.

بالغ بر ۲۰ کتیبه از شاهان هخامنشی بر جای مانده است ولسی کتیبه‌ای که بیشترین استفاده از آن در این پژوهش صورت گرفته، کتیبه بیستون از داریوش اول می‌باشد که در کوه بیستون در نزدیکی کرمانشاه قرار دارد. این کتیبه به سه زبان پارسی باستان، عیلامی و بابلی است که قسمت پارسی آن در پنج ستون و در ۱۴ سطر نوشته شده است. بدون تردید، این کتیبه را می‌توان مفصلترین متن برجای مانده از عهد داریوش اول دانست و در زمینه توضیح و تشریح اقدامات داریوش، مهم‌ترین منبع می‌باشد.

این کتیبه، بعد از تلاش‌های اولیه گروتفند آلمانی و نیز سیلوستر دوساسی و بوزدوت واپیرت فرانسوی، نهایتاً توسط راولسینون انگلیسی کاملاً ترجمه گردید.

در زمینه اقدامات داریوش اول و مشخصاً، در اطفاء شورش‌های آغازین سلطنت وی و نقش سرداران در یاری رساندن به وی در سرکوب شورش‌های آغازین حکومت داریوش دست اولترین منبع برای این پژوهش بود و طبیعتاً، در مورد سرداران عهد داریوش معتبرترین منابع هم می‌باشد و در این زمینه، بیشترین استفاده از کتیبه مزبور صورت گرفته است.

از مهمترین منابع در مورد کتیبه‌های شاهان هخامنشی، کتاب فرمانهای شاهان هخامنشی از شارپ می‌باشد.

۲- هرودوت: بدون شک اگر بخواهیم غنی‌ترین منبع در مورد تاریخ هخامنشی را اسم ببریم، چاره‌ای نداریم جز اینکه مورد نام هرودوت را ذکر کنیم. هرودوت در سال ۴۸۲ ق.م در خانواده‌ای متمول آتنی‌الصل در هالیکارناس- مرکز استان کاریه در آسیای صغیر- دیده بجهان گشود.

درباره وی و نیز نوشته‌های وی سخن زیاد گفته شده و برخی او را دروغگوی تاریخ و عده‌ای دیگر او را پدر تاریخ لقب داده‌اند اما فارغ از محتوای نوشته‌های وی، روش نگارش و نیز نحوه انشاء مطالب وی، او را مستحق عنوان پدر تاریخ می‌نماید اما در مورد محتوای نوشته‌های وی، باید گفت که حداقل دو روایت دروغ از نوشته‌های وی به اثبات رسیده است که یکی در مورد لشکرکشی خشایارشا با سپاه عظیم که بقول وی تا حدود ۵ میلیون، شماره سپاهیان بود و دیگری جریان کشته شدن گاوآپسین مصر توسط کمبوجیه بود که با پیدا شدن مقابر گاوهای آپسین، این روایت هرودوت، دروغین بودنش، اثبات گردید. ولی این موضوع به هیچ وجه، کاستن از ارزش روایات هرودوت نیست، اطلاعات کثیری که وی از حکومت

هخامنشی می‌دهد و بخصوصی در مورد <sup>سکریب</sup> تخت نشستن داریوش اول و <sup>کتومات</sup> گنومات - هرچند توسط پاره‌ای از مورخان از جمله اومسترد گردیده - نوشته‌های وی دقیقاً با نوشته‌های کتیبه بیستون منطبق می‌باشد.

مورخ هالیکارناسی، که تا ۴۲۵ ق.م زنده بوده تاریخ خود را در ۹ کتاب نوشته که هر قسمت از آن به نام یکی از الهه‌های یونانی نامگذاری گردیده است.

اما در مورد ترجمه نوشته‌های وی بزبان فارسی باید با کمال تأسف گفت که تاکنون ترجمه کامل تاریخ وی به زبان فارسی صورت نگرفته است و این نقیصه متأسفانه تا به امروز پابرجاست. ترجمه اول از اثر فوق، ابتدا توسط هادی هدایتی صورت گرفته که شامل شش جلد اول می‌گردد و ترجمه دوم هم بصورت گزیده وم طالب مربوط به ایران، توسط وحید مازندرانی با عنوان تواریخ در دو جلد ترجمه گردیده است.

۳- **توسیدید:** دیگر مورخ دوره باستان، توسیدید می‌باشد وی فردی آتنی است که در سال ۴۶۰ ق.م در آتن زاده شد. زمان زندگی وی و یا به عبارتی اوج زندگی وی مصادف با نبردهایی بود که طی آن آتن و اسپارت هر دو به ورطه نابودی افتادند، نبردهای خانمان براندازی بنام پلوپونزی که توسیدید، عنوان جنگ فوق را برای کتاب خود برگزیده است. وی در نبردهای پلوپونزی ابتدا از فرماندهان آتنی بود ولی براساس قانون استراسیسم<sup>(۱)</sup>، به مدت ۲۰ سال از آتن تبعید گردید و اثر مانای خود را در این فرصت تبعید به رشته تحریر درآورد. وی چون معاصر نبردهای پلوپونزی بود و خود از نقش آفرینان نبرد فوق، بدون شک می‌توان اثر وی را در زمینه نبردهای پلوپونزی، دست اول‌ترین منابع نامید. وی در فاصله سالهای ۳۹۵-۴۰۰ ق.م. یعنی <sup>بعده</sup> از اتمام نبردهای پلوپونزی، از دنیا رفته بود.

توسیدید ابتدا در فصل اول کتاب خود و در مورد زندگی تمیستوکلس و نیز پوزانیاس، به امور ایران پرداخته ولی عمیق‌ترین و اصلی‌ترین مسائل مورد بحث وی در مورد ایران، در دو فصل آخر گنجانیده شده که طی آن وی از نقش ایران در نبردهای پلوپونزی سخن گفته است.

در مورد تیسافرئس، فارنا بازوس و پیش‌تر از آنان، ارت بزومگابیزوس، اثر وی غنی‌ترین و معتبرترین منبع است و درباره این سرداران، بیشترین استفاده از این اثر گرفته شده است. نبردهای پلوپونزی، با همین عنوان و بدست محمدحسن لطفی تبریزی به زبان فارسی ترجمه گردیده است.

۴- **گزنفون:** گزنفون، مورخ یونانی است که در حدود سالهای ۴۴۵ ق.م نزدیک آتن به دنیا آمد و در حدود سال ۳۳۵ ق.م از دنیا رفت. از این مورخ شهر باستان، دو اثر برجای مانده

که یکی آناباسیس یا بازگشت ده‌هزار نفری و دیگر سیروپدی یا کوروش نامه است. سیروپدی یا کوروش نامه که در آن به زندگی و اقدامات کوروش اول (کبیر) پرداخته شده است، بنا به نظر اکثریت مورخان نمی‌توان یک اثر تاریخی نامید به عبارتی دیگر، این اثر، به رمان تاریخی می‌ماند تا به یک اثر تاریخی محض و طبیعتاً، در این اثر که با توجه به عنوانش، می‌باید از مآخذ این پژوهش می‌گردید، بخاطر جنبه ادبی - رمانی بودنش، استفاده، آنچنانی از این اثر نشده است. بخصوص، وی در این اثر، نصایح و نیز آرای استاد خود سقراط را از زبان کوروش نوشته است که بر غیرتاریخی بودن این منبع می‌افزاید.

دومین و مهمترین اثر گزنفون، آناباسیس می‌باشد که در مقطع زمانی اواخر حکومت داریوش دوم و اوائل حکومت اردشیر دوم، مهمترین منابع می‌باشد. گزنفون که یکی از اعضای لشکر مزدور کوروش صغیر در نبرد با برادرش اردشیر دوم بود، بعد از کشته شدن کنشارخوس فرمانده مزدوران، به فرماندهی سپاه مزدور کوروش کوچک رسید. البته نوشته وی با توجه به نزدیکی زمانی به حادثه خصوصاً نبرد کوناکسا، در این که با ارزشترین منبع است شکی نیست ولی وی در مواردی، و در ضمن نقل مطالب، نکاتی را می‌گوید که حاکی از تعصب خاص وی می‌باشد از جمله اینکه وی کشته‌های پارسیان را به مراتب بیشتر از کشته‌های سپاه خود ذکر می‌کند که باعث تردید در گفته‌های وی می‌شود. در زمینه سردارانی چون تیسافرن، فارنابازوسی، آریه اورتیس و چند سردار دیگر، این اثر - آناباسیس - از دست اولترین منابع می‌باشد.

کتاب سیروپدی یا سیرت کوروش توسط وحید مازندرانی بفارسی ترجمه گردیده است و کتاب آناباسیس یا بازگشت ده‌هزار نفره، توسط احمد بیرشک به فارسی برگردانده شده است.

**۵- کتزیاس:** از دیگر مورخانی یونانی مقارن عهده هخامنشیان، کتزیاس می‌باشد که در قرن پنجم در شهرکیند آسیای صغیر بدنیا آمد. وی پزشک بود و در واقع پزشک اختصاصی پروشات زن داریوش دوم بود و در دربار اردشیر دوم هم همچنان بعنوان طبیب خدمت می‌کرد و طبیعی بود که بعلت قرارگرفتن در دربار، مرکز ثقل حوادث بیشتر در جریان امور بود و ادعای وی مبنی بر اینکه از اسناد بایگانی هخامنشی استفاده کرده بعلت این موقعیتش بود. البته اینکه اسنادی بایگانی شده بوده یا نه جای مناقشه است از جمله اینکه برخی حدس می‌زدند که لوحه‌های مکشوفه در تخت جمشید، همان بایگانی اسناد ادعایی کتزیاس می‌باشد ولی اکثر محققان از جمله دکتر شهمیرزادی می‌گویند که این اسناد، نه اسناد مربوط به کل کشور که مربوط به خود تخت جمشید و اغلب مسائل اقتصادی این شهر می‌باشد در ثانی اگر کتزیاس به زبان پارسی یا عیلامی آن اندازه آشنا بود تا بتواند از آنها استفاده کند بهیچ وجه، کتیبه بیستون را

از ملکه سمیرامیس ملکه افسانه‌ای بابل نمی‌دانست و این عدم اشراف وی به زبان پارسی و عیلامی، ادعای کتزیاس را مورد تردید جدی قرار می‌دهد. کتزیاس آثار متعددی نوشته است ولی از آثار معروف او از جمله پرسیکا و ایندیکا که مطرح‌ترین آثار وی هستند ترجمه‌ای کامل به زبان فارسی صورت نگرفته است و تنها مرحوم پیرنیا در ضمن بررسی تاریخ ما دو هخامنشی، تکه‌هایی از متون کتابهای فوق را ترجمه کرده است.

وی با هرودوت خصومت داشته و تمام نوشته‌های وی برعکس نوشته‌های هرودوت می‌باشد از جمله می‌توان نظر وی در مورد شاهان سلسله ماد اشاره کرد که برخلاف هرودوت که شاهان ماد را چهار تن می‌داند کتزیاس ۸ شاه می‌داند.

۶- پلوتارک: از دیگر مورخان صاحب اثر در زمینه تاریخ عصر هخامنشی، پلوتارک می‌باشد. وی در بین سالهای ۱۲۰-۵۰ م زندگی می‌کرد. اثر عمده وی، حیات مردان نامی است. در این اثر وی به ذکر اعمال و نیز زندگی ۴۶ شخصیت تاریخی پرداخته است که در ضمن بررسی عملکرد و زندگی بعضی از این افراد اشاراتی هم به امور ایران، خاصه سرداران هخامنشی پرداخته است.

وی بطور مشخص دربندهای مربوط به زندگی تمیستوکلس، سیمون آتنی، اردشیر دوم، میلیتادس و اسکندر مقدونی، به اوضاع ایران عصر هخامنشی پرداخته و دربندهای فوق به نقش و عملکرد سرداران عصر هخامنشی اشارتی کرده است. البته اینکه وی فردی متعصب بود، در آن شکی نیست و اظهارنظرهایی که در این کتاب نموده است حکایت از ادعای فوق دارد ولی در کنار آن، باید اذعان کرد که وی اطلاعات با ارزشی در زمینه نبردهای مدیک و اوضاع ایران در عصر اردشیر دوم و نیز حمله اسکندر، ارائه می‌دهد.

از اثر وی دو ترجمه صورت گرفته، اولین ترجمه توسط مهندس رضا مشایخی بطور کامل صورت گرفته که تحت عنوان تاریخ حیات مردان نامی در چهار مجلد چاپ شده و دیگر اثری گزیده و در یک جلد توسط احمد کسروی ترجمه و چاپ شده است.

## ب: منابع و تحقیقات جدید

۱- حسن پیرنیا: مرحوم حسن پیرنیا از مورخان صاحب نام و شهیری است که در زمینه تاریخ ایران باستان قلم زده است. وی که در دوران اوج باستان‌گرایی رضاشاه می‌زیسته، دست به تألیف اثری نفیس و ما نازد که هنوز هم با اینکه ۶۰ سال از تألیف اثر فوق می‌گذرد، از اصلی‌ترین منابع تاریخ ایران باستان است. متأسفانه، زمان مهلت کافی برای وی نداد تا مجموعه خود را کامل گرداند و وقتی وی توانست تاریخ ایران باستان را تا پایان عصر اشکانی بنگارد، از دنیا رفت و تألیف قسمت ساسانیان اثر وی به تحقق نپیوست.

با استفاده از روش‌های مختلف است. به عنوان مثال، در کتاب «تاریخ و تمدن ایران» دکتر جوادادادیان در اثبات این موضوع به روش‌های مختلفی استفاده کرده است. این کتاب یکی از آثار برجسته تاریخی است که در زمینه تاریخ ایران نوشته شده است. دکتر جوادادادیان در این کتاب به روش‌های مختلفی استفاده کرده است. این کتاب یکی از آثار برجسته تاریخی است که در زمینه تاریخ ایران نوشته شده است.

۳- احتشام: مرتضی احتشام به شهادت دکتر جوادادادیان، از جمله محققان برجسته ایرانی است که در زمینه تاریخ ایران فعالیت داشته است. دکتر جوادادادیان در این کتاب به روش‌های مختلفی استفاده کرده است. این کتاب یکی از آثار برجسته تاریخی است که در زمینه تاریخ ایران نوشته شده است.

در این کتاب به روش‌های مختلفی استفاده کرده است. این کتاب یکی از آثار برجسته تاریخی است که در زمینه تاریخ ایران نوشته شده است. دکتر جوادادادیان در این کتاب به روش‌های مختلفی استفاده کرده است. این کتاب یکی از آثار برجسته تاریخی است که در زمینه تاریخ ایران نوشته شده است.

۴- احتشام: مرتضی احتشام به شهادت دکتر جوادادادیان، از جمله محققان برجسته ایرانی است که در زمینه تاریخ ایران فعالیت داشته است. دکتر جوادادادیان در این کتاب به روش‌های مختلفی استفاده کرده است. این کتاب یکی از آثار برجسته تاریخی است که در زمینه تاریخ ایران نوشته شده است. دکتر جوادادادیان در این کتاب به روش‌های مختلفی استفاده کرده است. این کتاب یکی از آثار برجسته تاریخی است که در زمینه تاریخ ایران نوشته شده است.

۵- احتشام: مرتضی احتشام به شهادت دکتر جوادادادیان، از جمله محققان برجسته ایرانی است که در زمینه تاریخ ایران فعالیت داشته است. دکتر جوادادادیان در این کتاب به روش‌های مختلفی استفاده کرده است. این کتاب یکی از آثار برجسته تاریخی است که در زمینه تاریخ ایران نوشته شده است. دکتر جوادادادیان در این کتاب به روش‌های مختلفی استفاده کرده است. این کتاب یکی از آثار برجسته تاریخی است که در زمینه تاریخ ایران نوشته شده است.

۶- احتشام: مرتضی احتشام به شهادت دکتر جوادادادیان، از جمله محققان برجسته ایرانی است که در زمینه تاریخ ایران فعالیت داشته است. دکتر جوادادادیان در این کتاب به روش‌های مختلفی استفاده کرده است. این کتاب یکی از آثار برجسته تاریخی است که در زمینه تاریخ ایران نوشته شده است. دکتر جوادادادیان در این کتاب به روش‌های مختلفی استفاده کرده است. این کتاب یکی از آثار برجسته تاریخی است که در زمینه تاریخ ایران نوشته شده است.

دکتر مهدی سمساری به زبان فارسی ترجمه کرده و توسط انتشارات زرتین منتشر شده است.  
تاریخ امپراطوری هخامنشیان در دو جلد و در ۱۹۰۰ صفحه توسط قلم شترا و روان  
است. این کتاب از کتاب فوق- یعنی سرداران- بیشتر استفاده از این کتاب صورت گرفته است.  
از محدود مورخانی است که به بررسی مغرب زنده گی نامه ها و عملاً درهای آنان پرداخته و از  
بیشترین استفاده را در قیاس با منابع دیگر دیده می شود. این کتاب در زمینه سرداران، وی  
در این اثر نکات به این منابع ارجاع شده است و اگر نگوییم که از این اثر  
هخامنشی، یا غیران فرهنگی می یاد می کند.

تمدن و فرهنگی و از فرهنگی می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن  
از فرهنگی یاد گرفته و در بعضی موارد، پیشینه، پیشینه، پیشینه، پیشینه، پیشینه، پیشینه، پیشینه، پیشینه  
تاثیرات فرهنگی ماد بر هخامنشی، نظر مغرب دارد و می گوید که این فرهنگی، پایه های  
دری در ارائه می دهد، رجوع به این منابع بیشتر با پذیرش و واریاس و اختیارپذیری می سازد. وی در  
این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه  
تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی  
می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند.  
تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی  
می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند.  
تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی  
می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند.  
تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی  
می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند.

در این اثر، یکی از منابع اصلی مورد بررسی است. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند.  
در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی  
می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند.  
تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی  
می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند.  
تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی  
می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند.  
تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی  
می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند.  
تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی  
می یاد می کند. در این کتاب به بررسی و مطالعه تاریخ و تمدن و از فرهنگی می یاد می کند.